



درس فارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۸ دی ۱۳۹۲

موضوع کلی: صحیح و اعم

مصادف با: ۶ ربیع الاول ۱۴۳۵

موضوع جزئی: امر اول: عنوان بحث- نظر محقق اصفهانی و امام (ره)

جلسه: ۵۱

سال: پنجم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

بحث پیرامون عنوانی بود که برای مسئله صحیح و اعم ذکر شده، دو عنوان را مورد بررسی قرار دادیم؛ یکی عنوانی که تا زمان محقق خراسانی در کتابها مطرح شده و منسوب به مشهور است، دیگری عنوانی است که از طرف مرحوم آخوند مطرح شده است. هر دو عنوان محل اشکال است، نتیجه این شد که نه عنوان مشهور و نه عنوان مرحوم آخوند جامع و فراگیر نیست و همه اقوال و انظار را شامل نمی‌شود، محذور عنوان برگزیده مرحوم آخوند اگر چه کمتر از عنوانی است که مشهور برای بحث صحیح و اعم اختیار کرده ولی این عنوان هم خالی از اشکال نیست لذا امام (ره) عنوان سومی را برای بحث صحیح و اعم به تبع محقق اصفهانی اختیار کرده که همان طور که عرض کردیم اساس و ریشه این عنوان هم در کلمات خود محقق خراسانی وجود دارد و آن عنوان این است که اصل در استعمال شارع این است که الفاظ عبادات و معاملات در خصوص صحیح استعمال شود یا در اعم از صحیح و فاسد؟

بررسی نظر محقق اصفهانی:

عدم ورود اشکال اول:

اشکال اولی که به نظر مشهور و مرحوم آخوند وارد بود بر این عنوان وارد نیست، اشکال اول این بود که اگر عنوان بحث را آن گونه که مشهور ذکر کرده قرار دهیم قهراً کسانی که منکر حقیقت شرعیه هستند و معتقدند شارع نه به وضع تعیینی و نه به وضع تعیینی الفاظ عبادات و معاملات را برای معانی شرعی قرار نداده بلکه مجازاً آن الفاظ را در معانی خاص شرعی استعمال کرده، نمی‌توانند در بحث صحیح و اعم شرکت کنند در حالی که منکرین حقیقت شرعیه هم داخل در دایره بحث صحیح و اعم هستند و عده‌ای از آنها صحیحی و عده دیگر اعمی هستند لکن این اشکال بر عنوان سوم که از طرف محقق اصفهانی و امام (ره) مطرح شده وارد نیست یعنی عنوان مطرح شده از طرف محقق اصفهانی و امام (ره) منکرین حقیقت شرعیه را هم شامل می‌شود؛ به این بیان که طبق نظر منکرین حقیقت شرعیه مثلاً اگر شارع گفته: «اقیموا الصلوة»، «صلاة» لفظاً به معنای دعاست ولی شارع این لفظ را مجازاً در عبادت مخصوص استعمال کرده، ما چیزی به نام حقیقت شرعیه نداریم بلکه شارع مجازاً این لفظ را در معنای شرعی استعمال کرده، حال اگر کسی قائل به مجازیت این استعمال شد این عنوان که اصل در استعمال شارع خصوص عبادت و معامله صحیح است یا اعم از صحیح و فاسد می‌باشد هیچ منافاتی با قول به

مجازیت استعمال ندارد، چون در واقع بحث در این است که آیا استعمال مجازی توسط شارع استعمال در خصوص صحیح است یا استعمال در خصوص اعم و ما می‌توانیم حرف منکرین حقیقت شرعیه را در چارچوب این عنوان قرار دهیم و بگوییم اصل در استعمال مجازی شارع آیا خصوص عبادت و معامله صحیح است یا اعم از فاسد و صحیح و عبادت و معامله فاسد را هم در بر می‌گیرد.

توضیح بیشتر اینکه اگر مثلاً شارع لفظ «صلاة» را به نحو مجاز در عبادت مخصوص استعمال کرده این استعمال طبق نظر منکرین حقیقت شرعیه استعمال مجازی است اما منکر حقیقت شرعیه می‌تواند بگوید شارع لفظ «صلاة» را گفته و مجازاً هم معنای عبادت مخصوص را اراده کرده ولی از این لفظ خصوص نماز صحیح را اراده کرده و به واسطه علاقه‌ای که بین معنای لغوی و معنای مجازی وجود دارد شارع لفظ «صلاة» را که لغتاً برای معنای دعا وضع شده مجازاً در عبادت مخصوص صحیح که نماز تام الاجزاء و الشرائط باشد استعمال کرده و این به خاطر وجود علاقه‌ای است که بین معنای لغوی و این معنای مجازی وجود دارد. پس تصویر بحث طبق قول استعمال مجازی لفظ در خصوص عبادت و معامله صحیح هیچ مشکلی در پی ندارد.

استعمال مجازی در اعم از صحیح و فاسد هم هیچ مشکلی ندارد، یعنی منکر حقیقت شرعیه می‌تواند بگوید شارع مثلاً لفظ «صلاة» را که لغتاً به معنای دعا بوده مجازاً در عبادت مخصوص استعمال کرده اعم از اینکه آن عبادت تام الاجزاء و الشرائط باشد یا اینکه آن عبادت ناقص و فاسد باشد، پس شارع لفظ «صلاة» را در اعم از عبادت صحیح و فاسد استعمال کرده؛ مثلاً وقتی شارع می‌فرماید: «لا تَصَلُّ فِیْ وَبَرٍ مَا لَا یُؤْکَلُ لِحْمُهُ» درست است که می‌گوید: در پوست حیوان غیر مأكول اللحم نماز نخوان ولی عنوان «صلاة» را بر همان نماز فاسد هم بار کرده است، یا وقتی گفته می‌شود: بدون وضوء نماز نخوان، عنوان نماز بر نماز بی وضوء هم بار شده است، پس شارع لفظ «صلاة» را مجازاً در نماز فاسد و ناقص الاجزاء و الشرائط استعمال کرده است.

نکته‌ای که باید به آن توجه شود این است که طبق قول منکر حقیقت شرعیه اعم از اینکه صحیحی باشد یا اعمی، استعمال لفظ در غیر معنای لغوی، مجازی است و در استعمال مجازی نیازمند علاقه هستیم و بدون علاقه و مناسبت نمی‌توان هر لفظی را در هر معنای غیر موضوع‌له بکار برد بلکه باید بین معنای حقیقی و مجازی علاقه وجود داشته باشد. در جایی که از لفظ معامله یا عبادت خصوص معامله یا عبادت صحیح اراده شود مشکلی نیست و علاقه بین معنای لغوی «صلاة» که دعا باشد و معنای مجازی که عبادت صحیح است وجود دارد اما بین معنای لغوی و عبادت فاسد علاقه‌ای وجود ندارد، مثلاً نماز بدون وضوء، نماز پشت به قبله و امثال آن با معنای لغوی «صلاة» که دعا باشد هیچ تناسبی ندارد لذا نمی‌توان گفت شارع لفظ «صلاة» را مجازاً در معنای اعم از صحیح و فاسد استعمال کرده چون بین معنای لغوی و معنای مجازی که عبادت فاسد

باشد هیچ علاقه‌ای وجود ندارد، همان گونه که نمی‌توان لفظ «اسد» را در مورد یک انسان ترسو یا لفظ «حاتم» را در مورد انسان بخیل استعمال کرد الفاظ عبادات و معاملات را هم نمی‌توان در عبادات و معاملات فاسد استعمال کرد.

پس اگر کسی منکر حقیقت شرعیه شد و گفت شارع همه الفاظ عبادات و معاملات را مجازاً در معانی شرعی آنها استعمال کرده می‌تواند بگوید استعمال شارع در خصوص عبادات و معاملات صحیح استعمالی مجازی است که مبتنی است بر علاقه‌ای که بین معنای لغوی و معنای صحیح وجود دارد ولی منکر حقیقت شرعیه نمی‌تواند بگوید الفاظ عبادات و معاملات مجازاً در عبادات و معاملات فاسد استعمال شده، چون هیچ علاقه‌ای بین معنای لغوی و عبادت و معامله فاسد وجود ندارد.

اما گفته‌اند این مشکل از راه مجاز در مجاز بر طرف می‌شود به این نحو که ما یک مجاز داریم و یک مجاز در مجاز، یعنی ممکن است بین معنای موضوع‌له و لغوی و غیر آن علاقه باشد که این مجاز است اما اگر در طول آن بین آن معنای مجازی و یک معنای دیگر هم علاقه‌ای دیگر باشد که آن علاقه بین مجاز دوم و معنای حقیقی وجود ندارد، این مجاز در مجاز است که اشکالی هم متوجه آن نیست، یعنی به خاطر علاقه‌ای که معنای مجازی اول با معنای دوم دارد می‌شود مجازاً آن لفظ را در معنای مجازی دوم هم استعمال کرد.

در ما نحن فیه هم مطلب از همین قرار است، یعنی مثلاً بین لفظ «صلاة» که برای دعا وضع شده و موضوع‌له این لفظ دعاست و عبادت صحیح که تام الاجزاء و الشرائط است یک علاقه‌ای وجود دارد که مثلاً دعا جزئی از آن عبادت است و این علاقه این امکان را برای شارع فراهم می‌کند که لفظی که برای دعا وضع شده مجازاً در عبادت صحیح استعمال کند و چون بین معنای لغوی و عبادت فاسد هیچ علاقه‌ای نیست شارع نمی‌تواند لفظ «صلاة» را در عبادت فاسد استعمال کند چون هیچ علاقه‌ای بین معنای لغوی و عبادت فاسد وجود ندارد ولی شارع وقتی می‌خواهد لفظ «صلاة» را در معنای اعم استعمال کند که شامل عبادت فاسد هم بشود علاقه را بین معنای مجازی اول (عبادت صحیح) و معنای مجازی دوم (اعم از صحیح و فاسد) لحاظ می‌کند به این نحو که با توجه به اینکه نماز صحیح همه اجزاء و شرائط را داراست ولی نماز فاسد بعضی از اجزاء و شرائط را دارد لذا بین این دو یک نحوه علاقه وجود دارد لذا به واسطه وجود علاقه بین معنای مجازی اول (عبادت صحیح) و معنای مجازی دوم (اعم از صحیح و فاسد) و همچنین به واسطه وجود علاقه بین معنای مجازی اول (عبادت صحیح) و معنای لغوی (دعا) شارع لفظ «صلاة» را در معنای اعم از صحیح و فاسد استعمال می‌کند.

نتیجه اینکه اشکال اولی که به مشهور وارد بود به این نظریه وارد نیست، یعنی می‌توان گفت: اصل در استعمال شارع خصوص عبادت و معامله صحیح است یا اعم از صحیح و فاسد؟ پس این عنوان، منکرین حقیقت شرعیه را هم شامل می‌شود.

عدم ورود اشکال دوم:

اشکال دوم هم به نظر امام (ره) وارد نیست، اشکال دومی که به مشهور وارد شد این بود که اگر بگوییم عنوان بحث صحیح و اعم این است که الفاظ عبادات و معاملات برای عبادات و معاملات صحیح وضع شده‌اند یا برای اعم از صحیح و فاسد؟

کسانی که معتقدند این الفاظ به وضع تعینی برای این معانی مخصوص وضع شده‌اند از دایره نزاع صحیحی و اعمی خارج می‌شوند چون وضع تعینی وضع محسوب نمی‌شود. عرض ما این است که این اشکال طبق نظر امام (ره) وارد نیست چون در عنوانی که امام (ره) قرار داد اصلاً کلمه «موضوعه» بکار نرفته بلکه ایشان می‌گویند آیا استعمال شارع خصوص عبادت و معامله صحیح را شامل می‌شود یا اعم از صحیح و فاسد؟

عدم ورود اشکال سوم:

اشکال سوم به مشهور این بود که امثال باقلانی که اصلاً حقیقت شرعی را قبول ندارند و حتی معتقدند استعمالات شارع استعمالات مجازی هم نیست از دایره نزاع خارج می‌شوند. به نظر او این الفاظ در همه استعمالات شارع در معانی لغوی خود بکار رفته لکن قرینه‌ای در کنار آن آمده که می‌فهماند منظور از این الفاظ معانی شرعی آنهاست نه معانی لغوی و این استعمالات هم از قبیل تعدد دال و مدلول می‌باشد لذا گفتیم نظریه باقلانی با نظریه قائلین به مجازیت استعمالات شارع فرق دارد. امام (ره) می‌گوید: عنوانی که ما برای بحث صحیح و اعم اختیار کردیم نظریه باقلانی و امثال او را هم در بر می‌گیرد؛ به این بیان که بگوییم:

عنوان بحث که عبارت بود از «ان الاصل فی استعمال الشارع هل هی خصوص الصحیح او الاعم؟» اگر بر نظریه باقلانی تطبیق شود تبدیل می‌شود به «ان الاصل فی القرینة...»؛ اصل در قرینه این است که بر وجود تمام اجزاء و شرائط که خصوص عبادت صحیح باشد دلالت کند یا بر اعم از صحیح و فاسد؟ چون طبق نظر باقلانی صحیح و اعم از لفظ «صلاة» فهمیده نمی‌شود زیرا طبق نظر ایشان لفظ «صلاة» در معنای لغوی خودش بکار رفته و بر عبادت مخصوص دلالت ندارد بلکه عبادت از مجموع لفظ «صلاة» و قرینه‌ای که به آن ضمیمه شده فهمیده می‌شود لذا تطبیق عنوان مطرح شده از طرف امام (ره) بر نظریه باقلانی به این نحو است که بگوییم: «اصل در استعمال شارع این است که خصوص صحیح را شامل می‌شود یا اعم از صحیح و فاسد؟» تفسیر می‌شود به اینکه «اصل در قرینه‌ای که در کنار لفظ «صلاة» ذکر شده دال بر خصوص صحیح است یا شامل اعم از صحیح و فاسد می‌شود؟» لذا این عنوان نظریه باقلانی را هم در بر می‌گیرد.

حق در مسئله:

به نظر ما بیان امام (ره) تمام نیست؛ چون عنوان بحث طبق نظریه امام (ره) این است که آیا اصل در استعمال الفاظ عبادات و معاملات از طرف شارع در معانی مخصوص، خصوص صحیح از این معانیست یا اعم از صحیح و فاسد؟ لذا در این عنوان آنچه مورد تأکید قرار گرفته الفاظ عبادات و معاملات می‌باشد یعنی می‌خواهیم ببینیم آیا الفاظی مثل «صلاة»، «صوم»، «حج» و امثال آن توسط شارع در خصوص صحیح استعمال شده یا در اعم از صحیح و فاسد؟ اما در توجیهی که امام (ره) ذکر کرد تا این عنوان شامل نظریه باقلانی هم بشود قرینه مورد تأکید واقع شده، چون ایشان فرمود باید بگوییم اصل در قرینه که دال بر اجزاء و شرائط است خصوص صحیح را شامل می‌شود یا اعم از صحیح و فاسد؟ بنابراین به نظر می‌رسد علیرغم

اینکه امام (ره) تلاش کردند عنوان مختار خودشان برای بحث صحیح و اعم را از اشکال سوم مبری کنند لکن این اشکال کما کان به قوت خودش باقی است.

نتیجه: هر سه عنوان مطرح شده از طرف مشهور، مرحوم آخوند و محقق اصفهانی و امام (ره) مبتلا به اشکال است لکن اشکالاتی که متوجه عنوان مطرح شده از طرف مشهور است بیشتر از اشکالاتی است که متوجه عنوان مختار مرحوم آخوند است و اشکالات عنوان مطرح شده از طرف مرحوم آخوند هم بیشتر از اشکالاتی است که متوجه عنوان مختار امام (ره) است ولی عنوانی هم که امام (ره) اختیار کردند خالی از اشکال نیست اما با وجود این اشکال می توان گفت عنوان سوم (نظریه امام) اولی از دو عنوان دیگر است.

لذا عنوانی که از طرف امام (ره) برای بحث صحیح و اعم انتخاب شد از دو عنوان دیگر بهتر است و ما عنوان بحث را این قرار می دهیم: «ان الاصل فی استعمال الشارع هل هی خصوص الصحیح او الاعم؟».

«هذا تمام الکلام فی الامر الاول ای العنوان البحت»

«والحمد لله رب العالمین»